

احکم تکلیفی استنکاف از تزریق واکسن کرونا در وضعیت شیوع بیماری ومسئولیت مدنی ناشی از آن

سمانه راهداری^۱، حمید روستایی صدرآبادی^۲

^۱ کارشناسی ارشد فقه ومبانی حقوق، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه میبد، یزد، ایران

^۲ استادیار، گروه فقه ومبانی حقوق، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه میبد، یزد، ایران (نویسنده مسئول)

چکیده

بیماری کرونا، به علت سرعت بالای انتشار، شدت بیماری و مرگومیر زیاد، دنیا را علاوه بر چالش‌های درمانی، در عرصه‌های متفاوت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فقهی و ... با مشکل روبه‌رو کرد. به همین دلیل بهترین راهکار از حیث ریشه‌کن شدن و پیش‌گیری این بیماری، واکسیناسیون بود. روش واکسیناسیون با واکنش‌های منفی از سوی برخی از پزشکان و افراد عادی مواجه شد. این پژوهش با طرح این پرسش اساسی که «حکم تکلیفی استنکاف از تزریق واکسن کرونا در وضعیت شیوع بیماری و مسئولیت مدنی ناشی از آن چگونه است»، تلاش نموده است تا با استفاده از روش کیفی، ضمن تبیین قواعد فقهی مخالفان تزریق واکسن کرونا از جمله قاعده حرمت اضرار به نفس، قاعده وجوب دفع ضرر محتمل و قاعده احترام و نیز تبیین قواعد فقهی موافقان آن، از جمله قاعده رجوع جاهل به عالم، قاعده لا ضرر و قاعده وجوب دفع ضرر محتمل، حکم تکلیفی حرمت استنکاف از تزریق واکسن کرونا را استنباط نماید و سپس با بررسی حقیقت (چیستی)، مبانی و حیطه (قلمرو) مسئولیت مدنی و نظریات چندگانه تقصیر، خطر، تضمین حق، اتلاف و تسبیب، دو نظریه اساسی‌تر تقصیر و اتلاف، مسئولیت مدنی ناشی از استنکاف کرونا را تبیین نماید. براساس یافته‌های تحقیق، نظریه تقصیر در بررسی مسئولیت مدنی ناشی از استنکاف کرونا با مشکلاتی روبرو بوده و نظریه اتلاف (که از تناسب بیش‌تری با مبانی فقه امامیه برخوردار است) ظرفیت بالاتری در اثبات فرضیه پژوهش مبنی بر «وجود ارتباط معنادار میان استنکاف از واکسیناسیون کرونا و مرگومیر ناشی از آن» دارد.

واژه‌های کلیدی: کرونا ویروس، حکم تکلیفی، مسئولیت مدنی.

۱-مقدمه

در سال های اخیر جهان گرفتار بیماری جدیدی به نام کرونا گشت که ماهیتی ترکیبی داشته و وضعیت اپیدمیک پیدا نموده بود (عبدلی و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۲۶). مشکلات ناشی از کرونا به دلیل شدت سرایت، گستردگی فراگیری و تاثیرات مستقیم در حزه های فرهنگ، اقتصاد، سیاست، اخلاق، الهیات، خانواده، باعث شد این بیماری تمایز قابل توجهی نسبت به بیماری های مشابه گذشته داشته باشد (وحدانی و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۳۸۱). در وضعیت پاندمی این ویروس، برای مقابله با آن اقداماتی نظیر ارائه انواع آموزش ها، ساخت واکسن و اعمال محدودیت ها انجام شد. متعاقب کشف واکسن کرونا و کاهش تعداد مرگ و میر در کشورهای دارای واکسیناسیون جهانی، موضوع تزریق واکسن در صدر اقدامات قرار گرفت (مومنی و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۲۴۵). متأسفانه به رغم همکاری ها و همراهی های مردم، شاهد عدم همکاری، نادیده گرفتن پروتکل ها و نکات بهداشتی، عدم مبادرت به تزریق واکسن، راه اندازی کمپین هایی نظیر "نه به واکسن" دیگران را نیز تشویق به واکسن نزدن می کردند. پیامد این اتفاقات باعث شد هر چند وقت یکبار موج جدید این ویروس باعث مرگ هزاران انسان شود (عبدلی و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۳۱). علی رغم تلاش های علم پزشکی، ظرفیت های دانشی مختلفی از جمله جامعه شناسی، اقتصاد، پزشکی، الهیات و ... را برای یافتن پاسخ های جدید و کارآمد درباره ی کرونا به استنطاق طلبیده شد. یکی از دانش های به کار گرفته شده برای حل مشکلات کرونا، دانش دین بویژه شاخه های الهیات، فقه و حقوق بود. از منظر فقهی مسائل مختلفی را می توان در خصوص کرونا مطرح نمود؛ به عبارت دیگر دانش فقه ظرفیت پاسخ گویی به مسائلی گوناگون از اپیدمی کرونا، ازجمله ضوابط شرعی توزیع امکانات ناکافی به بیماران، تکلیف ترزیق واکسن با وجود اختلاف در بین متخصصان را دارد (احسانی فر، ۱۳۹۲، ص ۱۵۲). سوالاتی که در بیم مردم رایج بود از جمله واکسن آیا ضرر دارد؟ آینده اش مبهم است و نباید واکسن زده شود. علم فقه می تواند حکم شرعی استنکاف از واکسن کرونا و مسئولیت های مدنی ناشی از آن را بررسی کند. پاسخ به این سوال را می توان در چند سطح از نظر فقهی مورد بررسی قرار داد. سطح فلسفه فقه که به چه دلیل فقه باید قابلیت اطاعت داشته باشد؟ یا مبنای الزام فقهی چیست؟ و ضوابط این الزام چه می باشد؟ در اینجا استنکاف از حیث فلسفه فقهی مورد بررسی قرار می گیرد. سطح بعدی قواعد فقهی که می توان از آیات و روایات قواعدی چند را در ارتباط با این موضوع استفاده کرد، که اهم این قواعد، عبارتند از: قاعده "رجوع جاهل به عالم"، قاعده "لاضرر"، قاعده "وجوب دفع ضرر محتمل"، قاعده "حرمت اضرار به نفس و اضرار به غیر"، قاعده "ضمان حاصل از اتلاف و تسبیب". در این پژوهش ذیل قاعده لاضرر و اینکه لاضرر فردی است یا نوعی و در صورت استنکاف چه نوع ضرری متوجه جامعه و حتی فرد می شود؟ و یا ذیل قاعده حرمت اضرار به نفس مورد بررسی قرار داد چرا که برخی با این تفکر که تزریق واکسن موجب اضرار به نفس می شود از تزریق آن خودداری می کنند. سطح بعدی رویکرد های فقهی است که هم از منظر فقه فردی مورد بررسی قرار می گیرد و هم فقه حکومتی. دیدگاه فقه فردی می گوید اگر شخص احتمال ضرر می دهد، واکسن نزدن و یا در جایی که حفظ جان انسان متوقف بر یک درمان است ولو آن درمان قطعی نباشد، ادله دلالت بر وجوب دارد (بهرامی، ۱۴۰۱، ص ۵۶). این یک نگاه اجمالی از حیث فقه فردی به این موضوع است. نگاه دیگر فقه حکومتی می باشد، فقهی که می خواهد جامعه را اداره کند نمی تواند امور را به خود مکلفان واگذار کند، بلکه باید اصول متناسب با حکمرانی را بر اساس ادله معتبر تنظیم کند و نظام نویی را تشکیل دهد و تولید کند (انصاری، ۱۳۹۰، ص ۲۶). از منظر فقه حکومتی، وقتی حفظ شئون اجتماعی، سلامت و امنیت جان و روان مردم با دولت است، مسلم است که بر هر دولت و حاکمی، حتی حکومت غیر مشروع، حفظ امنیت و حفظ سلامت جامعه واجب است (شاکری، ۱۳۹۵؛ ص ۲۳)؛ بنابراین آنچه مربوط به شئون اجتماعی است دولت می تواند در آن ورود پیدا کند و چنانچه برای حفظ سلامت جامعه راهی را تشخیص دهد می تواند افراد را ملزم به آن کند، مگر کسانی که بخواهند در جامعه سرکشی و سرپیچی کنند که باید در خانه شان بمانند و بیرون نیایند و از خدمات اجتماعی محروم شوند. سطح بعدی نظریه های فقهی است و سطح آخری، سطح احکام فقهی است (استفتائات) که فقها حکم شرعی استنکاف را پاسخ می دهند. با توجه به مطالب بالا در این پژوهش از ظرفیت های تمامی این سطوح و علم حقوق بهره گرفته می شود چرا که این موضوع، مساله مستحدثه ای است و اکتفا به یکی از این سطوح باعث می شود که پاسخ، اجمالی و ناکافی باشد؛ بنابراین این

پژوهش با روش کیفی و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه ای به بررسی حکم تکلیفی استنکاف از تزریق واکسن کرونا در وضعیت شیوع بیماری و مسئولیت مدنی ناشی از آن پرداخت.

۲- روش تحقیق

پژوهش حاضر با روش کیفی و بررسی اسناد و اطلاعات کتابخانه ای انجام شد. ابتدا اسناد و مدارک بالا دستی، کتب، مقالات و سایر منابع مورد بررسی قرار گرفت. مرور متون و منابع مشابه منتشر شده در بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ با استفاده از کلیدواژه‌های کرونا و ویروس، حکم تکلیفی، مسئولیت مدنی، حکم تکلیفی بیماری، مسئولیت مدنی کرونا، حکم تکلیفی کرونا، مسئولیت مدنی کرونا به صورت انگلیسی و فارسی در پایگاه داده‌های "PubMed"، "Scopus" و Google Scholar. ایرانداک، جهاد دانشگاهی، پایگاه استنادی علوم جهان اسلام، وب سایت و پایگاه‌های مرتبط با موضوع بررسی گردید و نکات لازم استخراج شد. در راستای ورود به مطالعات اولیه معیارهای ذیل در نظر گرفته شد: ۱- مقالاتی که حتماً به موضوع طرح اشاره کرده باشند ۲- مقالاتی که زبان انتشار آنها انگلیسی یا فارسی بود. متن کامل منابع به طور جداگانه مطالعه شده و پس از طبقه بندی و تحلیل آنها، یافته ها استخراج شد.

۲- یافته‌های تحقیق

۱- مبانی و مفاهیم

اولین گام در تبیین و شناسایی یک موضوع، شناخت از مباحث کلی و جزئی موضوعات آن است؛ به عبارت دیگر، انجام یک کار تحقیقی جامع و خالی از عیب و نقص در خصوص یک موضوع خاص، بدون بیان مفاهیم اصلی و اصطلاحات مربوط به آن موضوع، امکان پذیر نیست. لذا برای دستیابی به نتیجه‌ی مطلوب، در ابتدا مفاهیم و اصطلاحات مهم و مربوط با موضوع تبیین شد تا چارچوب موضوع به روشنی معین گردد.

۱-۱. مسئولیت

مسئولیت در لغت به معنای ضمانت، ضمان تعهد و مؤاخذه می‌باشد. (دهخدا، ۱۳۷۷ ش، ج ۱۳، ص ۲۰۹۰۷) در فرهنگ فارسی معین مسئولیت در لغت به معنی موظف بودن به انجام امری یا انجام تعهد و مؤاخذه آمده است همین‌طور مسئول کسی است که فریضه‌ای بر ذمه دارد که اگر عمل نکند، از او باز خواست شود و مسئولیت به معنی مسئول بودن و موظف بودن به انجام امری است. (معین، ۱۳۸۵ ش، ص ۱۱۲۱) در اصطلاح حقوقی مسئولیت یعنی «تعهد قانونی شخص بر رفع ضرری که به دیگری وارد کرده است. خواه این ضرر ناشی از تقصیر خود وی باشد یا ناشی از فعالیت او ایجاد شده باشد.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸ ش، ص ۶۴۲).

۲-۱. مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی یعنی تکلیف فرد به جبران ضرری که در نتیجه‌ی عمل نامشروع به دیگری وارد می‌شود. (صفایی؛ رحیمی، ۱۳۹۶ ش، ص ۶۱) لذا مسئولیت مدنی، مسئولیتی است، که در برابر ایجاد خسارت به وجود می‌آید و به وجود آورنده خسارت را ناگزیر از جبران آن می‌کند. مسئولیت مدنی به معنی مسئولیت پرداخت خسارت است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ص ۶۴۵)

۳-۱. حکم تکلیفی

حکم تکلیفی به حکمی می‌گویند که مستقیم به فعل شخص مکلف تعلق می‌گیرد. حکم تکلیفی از نبایدها و باید‌ها بحث می‌کند و تکلیف افراد را در مورد اعمالشان مشخص می‌کند. حکم تکلیفی، در برابر حکم وضعی عبارت است از حکمی شرعی که مستقیم به فعل مکلف تعلق می‌گیرد و وظیفه او را در ابعاد مختلف زندگی، اعم از شخصی، عبادی، خانوادگی، اقتصادی و سیاسی مشخص می‌سازد مانند حرمت نوشیدن شراب، وجوب نماز، وجوب انفاق بر بعضی از نزدیکان و اباحه احیای زمین موات و وجوب عادل بودن حاکم. (صدر، محمدباقر، ۱۳۹۵ ق، ج ۱، ص ۱۰۰). به عبارت دیگر احکام تکلیفی که در مقابل احکام وضعی قرار می‌گیرند انشای صادر شده است به منظور برانگیختن مکلف یا بازداشتن او از عملی یا ترخیص دادن در آن

عمل. حکم تکلیفی هنگامی متوجه فرد می‌شود که منوط به تحقق شرایط تکلیف باشد؛ بنابراین انسان دیوانه، ناتوان و غیربالغ به عمل کردن به آن مکلف نیست.

۲- حکم تکلیفی استنکاف از تزریق واکسن کرونا

۱-۲: ظالمانه بودن استنکاف از تزریق واکسن کرونا

استنکاف از تزریق واکسن کرونا از مصادیق ظلم به‌شمار می‌رود؛ زیرا ظلم در لغت به‌معنای ایجاد شی در غیرجایگاه خود، یا بیداد و ستم کردن است. (سیاح، ۱۳۶۹ ش، ج ۳، ص ۵۵) اما در عرف مردم و در اصطلاح، ظلم به‌معنای اخص است. در تعریف ابن‌فارس آمده است که ظا و لام و میم دو معنی اصولی را شامل می‌شود: ۱- سیاهی و تاریکی ۲- چیزی را از ستم در غیراز موضوع خود وضع کردن. (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۷۱۳) همان‌گونه که فرد در تاریکی هیچ چیز را نمی‌بیند در موقع ظلم کردن هم مانند این است که در تاریکی و ظلمات فرو رفته و نمی‌تواند حقیقت را درک کند. در کل ظلم به معنی ستم و نهادن چیزی در غیرجایگاه آن است. (رامپوری، ۱۳۹۳ ش، ج ۱، ص ۵۶۹)

۳- قواعد فقهی موافقان و مخالفان تزریق واکسن کرونا

واکسن کرونا مانند سایر واکسن‌های بیماری‌های واگیر، که همیشه دارای دو دیدگاه بوده‌اند، می‌باشد و همیشه عده‌ای موافق تزریق واکسن که اکثریت متعلق به آن است و گروهی نیز مخالف تزریق واکسن بوده که اصطلاحاً واکسن‌گریز نامیده می‌شوند. واکسن‌گریزی منحصر به کشور ما نبوده و در همه جای جهان دیده می‌شود. درست است که اکثر افراد موافق تزریق واکسن هستند و حتی این عمل را انجام داده‌اند، اما باید نظر و عقیده افراد مخالف را نیز شنید.

۱-۳. دیدگاه فقهی مخالفان تزریق واکسن کرونا

مخالفان تزریق واکسن کرونا دلایل مختلفی برای عدم تزریق واکسن کرونا دارند از عدم اعتماد به کارایی واکسن کرونا و تبعات ناشناخته‌ای که ممکن است در دراز مدت ایجاد کند تا محدود کردن حق آزادی‌های فردی برای انجام واکسیناسیون کرونا. آنها معتقدند این که حکومت افراد را مجبور به تزریق واکسن نماید و تنها راه مقابله با بیماری کرونا را در تزریق واکسن ببیند، این اجبار و حکم وجوبی در این راستا صحیح نخواهد بود. آنچه از ادله‌ای این گروه شامل قاعده حرمت اضرار به نفس، وجوب دفع ضرر محتمل، قاعده احترام .

-قاعده حرمت اضرار به نفس

یکی از قواعد فقهی، قاعده حرمت اضرار به نفس است. مخالفان تزریق واکسن کرونا طبق این قاعده معتقدند که با توجه به اینکه در قرآن و روایات، روح و جسم انسان ارزش فوق العاده‌ای دارد به گونه‌ای که انسان را از وارد کردن هر گونه آسیب به جسم و جان خودش برحذر می‌دارند، لذا نظر مشهور نیز دلالت بر حرمت اضرار به نفس دارد. حال با توجه به مطالب فوق، حرمت اضرار به نفس که از مصادیق ظلم به‌شمار می‌رود، در مساله تزریق واکسن کرونا روشن و مشخص است؛ چرا که همه مجوزهای تزریق واکسن اضطراری هستند نه اطمینانی و حتی خود پزشکان هم این ادعا را در زمان تزریق واکسن کرونا ندارند که این واکسن‌ها عاری از عوارض کم یا زیاد در زمان حال یا آینده دور یا نزدیک هستند و همچنین نه تنها به صورت یقینی بلکه مظنون به عارضه یا محتمل به احتمال عقلایی هم باشد، اضرار به نفس محسوب می‌شود و تزریق آن طبق این قاعده حرام است.

-وجوب دفع ضرر محتمل

قاعده ی دیگر، قاعده وجوب دفع ضرر محتمل یا برهان معقولیت است. این قاعده از قواعد عقلی و مبتنی بر اصل احتیاط است. مفاد این قاعده این است که هر جا احتمال ضرر وجود داشته باشد، عقل، انسان را ملزم به اجتناب از آن می‌کند، یعنی براساس این قاعده، عقل حکم می‌کند که باید از ضررهایی با احتمال کم هم دوری نمود، چه برسد به ضررهای قطعی و یا ظنی. (ملکی اصفهانی، ۱۳۷۹ ش، ج ۲، ص ۲۶) . مطالبی که گفته شد چنین نتیجه می‌شود که بر مبنای این اصل یا قاعده، وجوب دفع ضرر محتمل در شرع و فقه و نیز حکم عقل به هنگام کاربرد تکنولوژی‌های زیستی و پزشکی، نه تنها باید از ضرر رساندن آسیب‌های قطعی به انسان و حتی حیوانات و طبیعت اجتناب نمود، بلکه ضروری است در صورت احتمال و گمان به ضرر نیز احتیاط نموده و مانع رساندن ضرر محتمل گردید. از این رو مخالفان واکسن کرونا، تزریق واکسن را به دلیل مفسده‌ای که بر آن

مترتب است، لازم و ضروری نمی‌بینند؛ زیرا به سبب عوارضی که تزریق واکسن به همراه دارد، احتمال ضربه زدن به بدن و مهم‌تر از آن نفس است و اضرار به نفس هم که حرام بوده و دفع ضرر محتمل هم به حکم عقل واجب است؛ زیرا مقتضای دفع در قاعده مزبور، جلوگیری کردن از عوارض جسمی و جانی در زمان حال یا آینده است. در ادبیات اصولی نیز هر رفتاری که احتمال مفسده و ضرر از آن برخیزد، عقل به جهت وجوب دفع ضرر محتمل حکم به وجوب ترک رفتار می‌دهد. (تنکابنی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۹۴) وجوب ترک رفتار نیز عبارت دیگری از نهی رفتار است و نهی نیز اقتضا و ظهور در ممنوعیت دارد. -قاعده احترام

اسلام برخلاف مکاتب مادی به خون و آبروی انسان احترام فوق العاده‌ای قائل شده است البته احترام خون انسان‌ها و حرمت قتل نفس، از جمله مسائلی است که همه شرایع آسمانی و قوانین بشری در آن اتفاق نظر دارند و آن را یکی از بزرگ‌ترین گناهان می‌شمرند، ولی اسلام اهمیت بیشتری به این مسأله داده است. قاعده احترام بیانگر حرمت تصرف در اموال غیر، بدون اذن مالک و شارع و نیز حرمت اجبار غیر در عمل است. با توجه به مطالبی که گفته شد قاعده احترام یکی از مبانی مهم حریم خصوصی شناخته شده است و برخی این قاعده را کامل‌ترین و جامع‌ترین مبنای حق حریم خصوصی می‌دانند. (قنوتی، ۱۳۹۰، ش ۲۹، ص ۳۵) زیرا قواعدی که در حمایت از حقوق انسان‌ها وضع شده اند، همگی برای احترام انسان و تامین نیازهای فردی و اجتماعی او هستند؛ مانند قاعده لا ضرر که به خاطر احترامی که انسان‌ها دارند، نباید ضررهای مادی و معنوی بر او وارد شود. از این رو قاعده احترام یک قاعده عام بوده و شمولیت دارد و مفاد دیگر قواعدی را که در حمایت از حقوق انسان است، شامل می‌شود. (شیرشفاوی، ۱۳۹۶، ص ۱۳۱-۱۳۲) مواردی مثل امنیت فردی، آزادی فردی و... که تحت شمول قاعده احترام است. براساس قاعده احترام، اجبار به تزریق واکسن کرونا نه تنها جایز نیست بلکه حرام است؛ زیرا جان انسان در بالاترین مرتبه از احترام قرار دارد و از آنجایی که تزریق واکسن باعث فوت برخی از افراد یا عوارض بدنی حاد شده است، لذا حکومت‌ها نباید افراد را مجبور به تزریق واکسن کنند. چراکه به نظر می‌رسد حکمی که می‌تواند داشته باشد، استحباب است نه وجوب تا افراد بتوانند براساس قاعده احترام نسبت به همدیگر، خودشان به طور مستقل و آزادانه تصمیم بگیرند.

۲-۳. دیدگاه فقهی موافقان تزریق واکسن کرونا

از دیدگاه این گروه، در سرتاسر منابع دینی و فقه شیعی حفظ جان خود در مقابل بیماری‌ها از مهم‌ترین واجبات الهی است تا آن جا که واجبات الهی اگر با حفظ جان تراحم پیدا کند آن واجب الهی را از وجوب ساقط می‌کند. از جمله موافقان این نظریه می‌توان به رهبر معظم انقلاب و سایر مراجع معظم تقلید اشاره نمود. موافقان تزریق واکسن کرونا در استفاده از قواعد فقهی و اجبار انسان‌ها به تزریق واکسن کرونا، بسیار دست‌شان بازتر است؛ اما بیان همه قواعد در این اختصار نمی‌گند، به‌همین دلیل مهم‌ترین این شامل قاعده رجوع جاهل به عالم، قاعده لاضرر، اقتضای نهی در امر به شی و قاعده وجوب دفع ضرر محتمل بود. -قاعده رجوع جاهل به عالم

یکی از قواعدی که در جواز تزریق واکسن کرونا به آن استناد می‌شود، قاعده رجوع جاهل به عالم است. این قاعده یک قاعده عقلی و مطابق با فطرت انسان است و بیان می‌کند که افراد جاهل در هر فن و علمی، باید به افراد عالم و خبره مراجعه کنند. همچنین این قاعده، یکی از ادله جواز تقلید است که در همه زمان‌ها و مکان‌ها مورد تأیید عقلا بوده است. (ذهنی تهرانی، ۱۳۸۰، ش ۵، ص ۱۲۹۹؛ خویی، ۱۴۲۲، ق، ج ۳، ص ۴۵۰؛ آخوند خراسانی، ۱۴۳۷، ق، ص ۵۳۹؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۶، ق، ج ۵، ص ۳۹۴). با توجه به قاعده رجوع جاهل به عالم، بشر بر مبنای یک اصل عقلانی در همه‌ی امور زندگی‌اش به متخصصان رجوع می‌کند و این قانون عقلی و عقلانی مختص به عرصه پزشکی نیست؛ بنابراین، همان‌طور که انسان‌ها در بیماری‌ها به پزشکان رجوع می‌کنند، مراجعه به متخصصان در هر عرصه‌ای (فنی و علمی) نیز یک امر عقلایی به‌شمار می‌آید؛ زیرا هر شخصی نمی‌تواند در همه‌ی حوزه‌ها تخصص لازم را داشته باشد و این امر طبیعی است که افرادی در یک رشته علمی تخصص پیدا می‌کنند و تمامی مردم حتی خود متخصصانی که در آن زمینه خاص تخصصی ندارند، براساس اعتمادی که به هر یک از این افراد متخصص دارند، برای حل مشکلاتشان به آنها مراجعه و از نظر آنها پیروی می‌کنند. از این رو، باید گفت مسئله واکسیناسیون کرونا امر جدید و خاصی نیست که بگوییم در این مورد ویژه صرفاً باید به توصیه متخصصان امر توجه و عمل

کرد. البته هرچند در این مورد شاید اختلاف نظری هم باشد؛ اما هنگامی که اکثریت متخصصان حوزه پزشکی اتفاق نظر بر تزریق واکسن کرونا دارند و تجربه کشورها در امر واکسیناسیون کرونا و نتایج مثبت آن پیش‌روست، با استفاده از این تجربه عملی و هم‌چنین پیروی مراجع و نخبگان کشور به نظر متخصصان حوزه پزشکی، حجت برای تزریق واکسن کرونا برای عموم مردم تمام است و این امر نشان دهنده این است که تزریق واکسن موافق با موازین و قواعد دینی و عقلی است. چراکه مراجعه به متخصص و پیروی از آن در دین هم تأیید شده است. هم‌چنین این سخن مقام معظم رهبری که فرمودند: «واکسیناسیون عمومی مساله بسیار مهمی است که حتماً بایستی انجام شود» نشان دهنده اعتنا و توجه خاص ایشان به نظر متخصصان حوزه علم پزشکی است. از این‌رو، تقلید یا تبعیت جاهل از عالم و تمکین غیرمتخصص از متخصص، یک امر ذاتی، عقلی و عقلانی است که مورد تأیید قرآن و سنت نیز می‌باشد؛ بنابراین برای کسب شناخت و معرفت در امور خاص یا فرد باید خودش عالم و متخصص باشد یا به عالم و متخصص رجوع و از او پیروی کند. با توجه به آنچه گفته شد، رجوع جاهل به عالم، به حکم عقل و شرع لازم است و در بحث الزام به تزریق واکسن، نیز پزشکان، خبر و دانا محسوب می‌شوند و سایرین باید به آنها رجوع کنند و سخن آنان مانند گفته فقیه حجت است چرا که تمام مواردی که در فقه برای اثبات تقلید و رجوع جاهل به عالم بیان شده در رجوع به متخصص و سخن آنان نیز صادق است به همین دلیل تزریق واکسن کرونا در زمان شیوع بیماری نیز الزامی است. چراکه شفای الهی از طریق داروهای پزشکان و عمل به دستورات آنان صورت می‌گیرد و سرپیچی از دستورات پزشکان معتبر در امور پزشکی مانند سرپیچی از دستور مراجع معتبر تقلید در امور دینی است.

-قاعده لاضرر (نفی ضرر)

قاعده لاضرر از جمله قواعدی است که در تعدیل و یا تکمیل کردن نصوص شرعی استفاده اثربخشی دارد و احکام فرعی بسیاری از آن نشأت می‌گیرد. بنا به نظر فقها ملاک تشخیص ضرر در قاعده لاضرر عرف است. (نراقی کاشانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۵، ص ۱۷؛ شیخ انصاری، ۱۴۱۴ ق، ص ۱۱۲؛ موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ ق، ج ۱، ۲۱۵) در دیدگاه امام خمینی راجع به قاعده لاضرر این است که فقه حکومتی را گسترش می‌دهد؛ هرچند فقه فردی را محدود می‌کند. لذا، فقهایی که معتقدند تفسیر امام از قاعده لاضرر هیچ فایده‌ای در فقه ندارد و قاعده را از دسترس فقه خارج می‌کند. منظورشان فقه فردی است نه حکومتی. (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۵ ق، ص ۱۱۳). با استفاده از قاعده لاضرر، الزام به تزریق واکسن کرونا را در مقوله حکم حکومتی از منظر امام خمینی می‌توان به خوبی جستجو کرد. فقیه عادل دارای همه اختیارات سیاسی و حکومتی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و امامان معصوم علیه السلام می‌باشد و تفاوتی بین اختیارات آنان و فقیه عادل نیست. (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ ق، ج ۳، ص ۴۹۷) بنابراین عمل مقام معظم رهبری به‌عنوان ولی فقیه در انجام واکسیناسیون کرونا از آن جهت که ولایت دارد برای مردم حجت است؛ زیرا چنین اقدامی از سوی ولی فقیه و حاکم حکومت اسلامی به دلیل مصالح عمومی جامعه که به‌صورت عمده و از طریق رسانه عمل خودش را منتشر می‌کند، مستند می‌باشد. براساس قاعده لاضرر و دیدگاه امام خمینی که از این قاعده، حکم حکومتی برداشت کرده‌اند، شاید بتوان گفت از آنجا که بیماری کرونا غیر از بیماری فلج اطفال و بیماری‌های فردی است که واگیردار نبوده و به دیگران آسیب نمی‌رساند؛ چراکه به صورت ابتدایی بیماری‌های فردی مشمول الزام نیستند، ولی کرونا و بیماری‌های مثل آن، چون با حیات و سلامت دیگران مرتبط است، لذا اگر مصلحت اقتضا کند، فقیه می‌تواند فتوا به وجوب واکسیناسیون بدهد.

-قاعده وجوب دفع ضرر محتمل

مقتضای دفع در قاعده مزبور، ممانعت از اصل سرایت و انتقال بیماری است و بهترین عمل در این زمینه تزریق واکسن کرونا است چرا که در جامعه جهانی نیز تزریق واکسن کرونا بهترین روش پیشگیری از بیماری کرونا محسوب شده است. از آنجا که مدلول اصلی این قاعده انسداد راه‌های انتقال و پیشگیری از سرایت این بیماری است؛ بنابراین هر عملی که احتمال در سرایت بیماری دارد، چه عدم تزریق واکسن کرونا و یا چه انجام ندادن دستورالعمل‌های بهداشتی و... به مقتضای این قاعده باید دفع شود. در ادبیات اصولی نیز هر عمل و رفتاری که احتمال ضرر و مفسده در آن است به دلیل وجوب دفع ضرر محتمل، عقل حکم به وجوب ترک آن رفتار می‌دهد. (تنکابنی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۹۴). حکم عقل، به دفع رفتار پرخطر یعنی عدم تزریق واکسن کرونا که از مهم‌ترین عوامل انتقال بیماری است، با ضمیمه کردن هر دو ملاک مذکور به یکدیگر و هم‌چنین برقرار

کردن معادله‌ای که موجب ارتباط این دو ملاک با همدیگر شود صادر می‌شود؛ بنابراین انسان نباید خودش را در معرض خطری که محتمل و نزدیک است قرار دهد؛ زیرا قطع به یقین انسان بی‌واکسن در زمان شیوع بیماری به ویروس کرونا و مرگ نزدیک است؛ بنابراین، چون شیوع بیماری‌های مسری در اجتماع، چالش‌های فراوانی را در قلمرو دانش‌های طبیعی و پزشکی از جمله تزریق واکسن کرونا ایجاد کرده است. اگر در عدم تزریق واکسن کرونا به‌عنوان رفتاری که عامل انتقال بیماری است درجه احتمال سرایت بیماری ضعیف باشد، اما چون بیماری کرونا دارای خطرهای پیامدها و آثار زیان‌آور فراوانی است لذا شدت محتمل بر ضعف احتمال سرایت، غالب و ترجیح داده می‌شود و باید بر مبنای قاعده وجوب دفع ضرر محتمل، عقل حکم به منع و دفع چنین رفتاری دهد. حال در خصوص بیماری کشنده کرونا می‌بینیم که عدم تزریق واکسن کرونا از طرفی هم احتمال انتقال و انتشار سریع بیماری را بالا می‌برد (احتمال قوی) و هم شدت ضرر جان انسان‌هاست که با عدم تزریق بسیاری از افراد جانشان را از دست می‌دهند (اهمیت بیشتر) یعنی یک طرف هر دو ملاک را با هم داراست و در طرف دیگر که تزریق واکسن کرونا باعث ایجاد عوارضی برای فرد می‌شود دارای احتمال کم و ناچیز و شدت ضرر در آن نیز ناچیز است. نتیجه این می‌شود که طبق قاعده اهم و مهم، تزریق واکسن، اهم و طبق قاعده وجوب دفع ضرر محتمل، تزریق واکسن کرونا الزامی می‌باشد. هم‌چنین در جایی که مخالفین تزریق واکسن کرونا می‌گویند تزریق واکسن کرونا باعث می‌شود بعضی از افراد جانشان را از دست بدهند نیز قاعده اهم و مهم جاری است چرا که جهان شاهد آن است که با عدم تزریق واکسن کرونا بسیاری از افراد با مبتلا شدن به بیماری کرونا جانشان را از دست می‌دهند و اگر افرادی با تزریق واکسن کرونا فوت می‌شوند بسیار ناچیز است لذا تزریق واکسن کرونا برای جلوگیری از این بیماری اهم و طبق قاعده وجوب دفع ضرر محتمل نیز الزامی می‌باشد چرا که ضرر بزرگ‌تری را دفع می‌کند؛ و این در صورتی است که به طرف از احتمال هر دو ملاک را دارد و مرجح کاملاً مشخص و روشن است. با توجه به مولفه‌های محتمل بیماری کرونا، براساس قاعده وجوب دفع ضرر محتمل، الزام افراد به تزریق واکسن کرونا بهترین روش در رفع و دفع بیماری کرونا می‌باشد.

-اقتضای نهی در امر به شی

احکام فقها در مسئله تزریق واکسن کرونا بالاتفاق همگی تاکید در الزام به تزریق واکسن کرونا داشته‌اند و صحبتی در خصوص حکم افرادی که از تزریق واکسن کرونا خودداری می‌کنند، نداشته‌اند. در علم اصول مباحثی است که آیا امر به شی مقتضی نهی از ضد آن است یا نه؟ در واقع مسئله این است که از نظر هر عاقلی هدف از دستورات الزامی عدم رضایت به ترک آن است چه تشریعا و چه تکوینا. اگر اراده کاری شد و بر ذمه عبد چیزی الزام شد، راضی به ترک آن نیست و این قابل انکار نیست که الزام به فعل همراه با انزجار از ترک است و الزام به ترک همراه با لزوم اجتناب است. بررسی‌ها نشان می‌دهد اگر امر به شیء مقتضی نهی از ضد باشد، طبعاً اضرار حرام اند؛ مثلاً اگر ازاله واجب بود و طبعاً اضرار آن چه عبادی باشد و چه توصلی محکوم به حرمت است، اما منکر اقتضا، قائل به حرمت اضرار امر واجب نیست و نماز یا هرچه غیر نماز که ضد ازاله است حرام نیستند. اگر ضد، عبادی باشد چون حرمت در عبادت مقتضی فساد است بنابراین آن عمل علاوه بر حرمت، فاسد و باطل نیز می‌باشد. باتوجه به مباحث موافقان تزریق واکسن، سخن فقها در الزام به تزریق واکسن کرونا در زمان شیوع بیماری است و صحبتی در خصوص کسانی که از تزریق واکسن خودداری می‌کنند، نکرده‌اند؛ بنابراین باتوجه به نظر مشهور که معتقد به امر به شی مقتضی نهی از ضد آن است طبعاً ضد حرام است در نتیجه عمل استنکاف کنندگان از تزریق واکسن کرونا به‌عنوان ضد حرام می‌باشد.

۴- مسئولیت مدنی خودداری از دریافت واکسن کرونا

نظریات غربی که به‌عنوان مبنا و معیار برای این که فرد باید مسئول رفتار و اعمال خودش باشد و آسیبی را که به فرد یا افراد دیگر وارد نموده را باید جبران کند. (کاتوزیان، ۱۳۹۳، ش، ج ۱، ص ۷۲؛ عمیدزنجانی، ۱۳۸۲، ش، ص ۵۷) عبارتند از: نظریه تقصیر، نظریه خطر، نظریه مختلط، نظریه تضمین حق. با توجه به اینکه در بیشتر نظام‌های حقوقی غربی مسئولیت بر پایه تقصیر استوار است، طبق نظریه تقصیر افرادی که از تزریق واکسن کرونا خودداری می‌کنند اگر چنانچه فقط بر اثر تقصیر خودشان موجب اضرار به فرد و یا افراد دیگر شوند و این تقصیر ناشی از انتقال بیماری کرونا به دیگران باشد، این افراد مسئول و باید جبران خسارت نمایند. لیکن از این نکته نباید چشم‌پوشی شود که فقط فردی دارای مسئولیت مدنی است که در رفتار

و اعمال خودش دچار تقصیر شده باشد، زیرا به نظر می‌رسد نظریه تقصیر براساس اصل برائت بنا شده است. افرادی که از تزریق واکسن کرونا استنکاف می‌کنند در صورت انتقال بیماری کرونا به عنوان عامل زیان، و اثبات رابطه سببیت بین تقصیر فرد و فعل زیانبار، مسئول هستند و باید مبادرت به جبران خسارت نمایند؛ اما درجه تقصیر در آنان می‌تواند متغیر باشد به-همین جهت می‌توان از تمام معیارها و تعاریفی که برای اثبات تقصیر و انتساب آن به عمل زیان‌بار عامل، وجود دارد بهره جست.

در فقه و حقوق اسلامی ضمان قهری بر مضامین گوناگونی استوار است که از آن به اسباب ضمان یا موجبات ضمان یاد می‌شود و به سه دسته کلی تقسیم می‌شوند. ۱- اضرار به غیر ۲- وضع ید بر مال غیر ۳- انتفاع از مال یا عمل غیر (بادینی، ۱۳۹۱ ش، ص ۱، ۲۴). برخی از حقوق‌دادنان معتقد هستند که در وضع ید بر مال غیر، مبنای مسئولیت استیلا است، یعنی هر کسی بر مال فرد دیگری تسلط پیدا کند، بدون اینکه بر آن مال امین باشد، در مقابل مالک مال مسئول محسوب می‌شود. همچنین است فردی که از روی اذن و یا امانی، در تصرفاتش در مال غیر، تعدی و فریط می‌کند. در نفع بردن از عمل و یا مال غیر، بهره‌مند شدن و استیفا از عمل یا مال فرد دیگر، مینا و اساس مسئولیت مدنی را ایجاد می‌کند؛ اما در ارتباط با مبنای مسئولیت مدنی در اضرار به غیر، خواستگاه‌های متفاوتی من جمله، اتلاف و تسبیب، تعدی و فریط و غرور مورد توجه قرار گرفته است. (قاسم‌زاده، ۱۳۸۷ ش، ص ۲۸۹). بعضی دیگر از حقوق‌دانان می‌گویند موجبات ضمان عبارتند از: اتلاف و تسبیب، لاضرر، ضمان (غرور)، ضمان ید (علی‌البد)، ضمان تعدی و فریط (تقصیر) و... (عمیدزنجانی، ۱۳۸۲ ش، ص ۱۰۵) لکن به نظر می‌رسد که با اهمیت‌ترین این موجبات در زمینه عدم تزریق واکسن کرونا، ضمان برگرفته از اتلاف و تسبیب و لاضرر در فقه امامیه باشد.

۱-۴. قاعده لاضرر

قاعده لاضرر می‌تواند مفید مبنای مسئولیت باشد چراکه در بررسی مبنای مسئولیت مدنی آنچه مورد توجه قرار گرفته، جبران ضرر است. براساس قاعده لاضرر هر چند عدم تزریق واکسن کرونا از جمله حقوق فردی اشخاص به‌شمار می‌رود و فرد این حق را دارد که در خصوص تزریق و یا عدم تزریق واکسن کرونا خودش تصمیم‌گیرنده باشد اما چون اعمال این حق منجر به اضرار به غیر و منافع عمومی می‌شود، لذا باید فرد تابع قانون باشد و در تزریق واکسن کرونا، عمد و کوتاهی صورت نگیرد؛ زیرا، در غیر این صورت وی مسئول خسارت‌های به بار آمده، می‌باشد. با توجه به اینکه هدف از قواعد مسئولیت مدنی جبران ضرر است و به گفته بعضی از نویسندگان، از نظر فنی، مسئولیت با دینی که مربوط به جبران خسارت است بیان می‌شود. ضرر مادی در اموال، زبانی است که به دلیل از بین رفتن عین مال (مثل فرو ریختن خانه) یا کم شدن ارزش مال (مثل ایجاد بزرگراه که از قیمت املاک مجاور آن می‌کاهد) و مالکیت معنوی (مانند صدمه رساندن به شهرت و نام تجاری) یا از بین رفتن منفعت و حق مشروع اشخاص، به آنان می‌رسد. از مصادیق ضرر مادی زمانی است که به سلامتی فرد آسیبی وارد شود و در اثر آن هزینه‌هایی برای درمان و معالجه به فرد تحمیل شود؛ مانند هزینه‌های درمان فرد مبتلا شده به ویروس کرونا. یا مثالی که برای شهرت تجاری می‌توان گفت: به علت تشویق‌کنندگان به عدم تزریق واکسن کرونا و افزایش این بیماری در جامعه، از منافع تجاری که برای تاجر به صورت متعارف و معمول حاصل می‌شده، به علت تعطیل شدن کسب و کارها در زمان شیوع بیماری کرونا، کاسته شود.

۲-۴. قاعده اتلاف

در فقه، ضمان و مسئولیت بر مبنای متعددی استوار هستند که یکی از آن‌ها اتلاف است. اتلاف بر دو قسم است: ۱- اتلاف مستقیم یا بالمباشره ۲- اتلاف غیرمستقیم یا بالتسبیب. (تقی‌زاده، ۱۴۰۰ ش، ص ۴۲). اتلاف بالمباشره زمانی است که فرد به طور مستقیم به ایجاد خسارت مبادرت می‌ورزد و معیار در تحقق آن، درستی انتساب ضرر و خسارت به فاعل آن می‌باشد، هر-چند که فاعل نیت اضرار را نداشته باشد. (تقی‌زاده، ۱۴۰۰ ش، ص ۲۲۷) مانند کسی که به‌طور مستقیم با عمل نکردن به الزام قانونی تزریق واکسن کرونا و در صورت ابتلا به این بیماری و انتقال آن به دیگران سبب ایجاد ضرر و خسارت به دیگران و جامعه می‌شود. اتلاف بالتسبیب در خصوص عدم تزریق کرونا زمانی صورت می‌گیرد که فرد و یا افرادی به دلایلی مردم را تشویق به تزریق نکردن واکسن و شیوع بیماری در جامعه و ایجاد خسارت‌های شخصی اعم از (بدنی، مادی و معنوی) و

همچنین خسارت‌های اجتماعی می‌کنند که در این‌گونه موارد سبب اقوی از مباشر است. با توجه به شروط تحقق اتلاف بالمباشره، فروض انتقال بیماری کرونا عبارتند از:

۱- اگر فردی آگاهی از ویروس کرونا و عوارض و ضررهای (مادی، معنوی، بدنی) ایجاد شده از طریق این بیماری را دارد، ولی از انجام دستورالعمل‌های بهداشتی و تزریق واکسن کرونا خودداری می‌کند و باعث انتقال بیماری و وارد کردن ضرر به دیگران می‌شود، وی مطابق با قاعده اتلاف مسئول جبران خسارت‌هایی است که بواسطه او ایجاد شده است.

۲- اگر فردی آگاهی از ویروس کرونا و عوارض و ضررهای آن نداشته باشد و برخلاف دستورالعمل‌های کارشناسان سلامت و سازمان بهداشت عمل کند و با انجام ندادن اقدامات پیشگیرانه من جمله تزریق واکسن کرونا، سبب ابتلای سایر افراد به بیماری کرونا شود و بدین نحو به آنان ضررهای (مادی، معنوی، بدنی) وارد کند، درحالی که سایر افراد جامعه اقدامات پیشگیرانه و تزریق واکسن کرونا را انجام داده باشند، وی متعهد به جبران خسارت‌هایی است که بواسطه او ایجاد شده است؛ زیرا آگاهی داشتن و یا آگاهی نداشتن فرد در مسئول بودن او در اثر اتلاف تاثیری ندارد.

۳- اگر فردی آگاهی‌های لازم در خصوص ضررها و عوارض ویروس کرونا را نداشته باشد و اصول پیشگیرانه را نیز رعایت نکند، در صورتی که طرف مقابل که بیماری به او سرایت کرده است، علی‌رغم آگاهی و توانایی بر الزام افراد بر اصول پیشگیرانه (انجام تزریق واکسن کرونا)، باز هم این اقدامات را انجام نداده است. در این صورت ضرر و خسارت وارده به وی شامل قاعده اقدام می‌شود و خودش از باب اولویت مباشر بر سبب، مسئول به‌شمار می‌رود.

با توجه به شروط تحقق اتلاف بالتسبیب، فروض انتقال بیماری کرونا عبارتند از:

۱- هرگاه فردی که با انتقال ویروس کرونا به شخص دیگر، باعث خسارات جانی و مالی بر آن فرد می‌شود، در صورتی که مباشر، فرد دیگری است؛ مثلاً افراد یا نهادهایی، مردم را ترغیب به عدم تزریق واکسن کرونا می‌کنند به هر علتی، چه منفعت و یا چه به‌دلیل تبلیغاتی که واکسن‌گریزان انجام می‌دهند و آنان تحت تاثیر قرار می‌گیرند، که در اثر آن باعث انتشار این ویروس می‌شوند و به دیگران ضررهای جانی و مالی می‌رسانند. یا مثلاً شخصی به‌دلیل انگیزه‌های غیرانسانی یک سری اطلاعات نادرستی را به افراد می‌دهد که نتیجه آن عدم تزریق واکسن کرونا و ابتلای آنان به ویروس کرونا و سبب شیوع این بیماری در جامعه و ایجاد خسارت‌های جانی و مالی می‌شود، در این صورت چون سبب اقوی از مباشر است، فرد مسبب ضامن و مسئول است و اتلاف بالتسبیب صورت گرفته است.

۲- مسئولیت پزشکان، مراکز درمانی و بیمارستان‌ها در قبال ابتلای بیماران خود به ویروس کرونا، از باب التلاف بالتسبیب است، البته در صورتی که آن‌ها متعهد به نتیجه و دارای مسئولیت خاص و قراردادی نسبت به بیماران خود باشند.

اشخاصی که مردم را تشویق به تزریق نکردن واکسن کرونا در زمان شیوع این بیماری به هر قصد و نیتی کرده‌اند و موجب بروز انواع ضررهای فردی و اجتماعی شده‌اند، به‌عنوان مسبب، مسئول محسوب می‌شوند. در این صورت افراد تحت سلطه آنان و همچنین مدعی العموم می‌توانند برای جبران خسارت ایجاد شده به آنان رجوع کنند. در مورد عدم تزریق واکسن کرونا و مسئولیت مدنی آن در این حالت، در صورتی فرد، به‌عنوان مباشر بروز خسارت مسئول است که عرف رابطه سببیت میان فعل او و ضرر ایجاد شده را قوی‌تر از سبب بداند، از این‌رو فرد مباشر ملزم به جبران خسارت‌های شخصی و اجتماعی است. در صورتی که برخی از افراد از تزریق واکسن کرونا خودداری کنند، به دلیل این که مانع قطع شدن انتقال بیماری کرونا و شیوع آن در جامعه و ضرر زدن به سایر افراد و جامعه می‌شوند ضمانت‌ها و مسئولیت‌هایی برآنان بار می‌شود

۳-۴. فعل زیانبار

رکن بعدی برای محقق شدن مسئولیت مدنی، عمل زیان‌بار است؛ یعنی عملی که در نظر اجتماع باید ناهنجار باشد و مجوزی در قانون برای آن صادر نشده باشد. فعل زیان‌بار ممکن است به‌صورت فعل یا ترک فعل باشد. (دالوند، ۱۳۸۶ ش، صص ۲۲-

(۲۱)

۱- ورود زیان به فرد الزاماً به‌دلیل ارتکاب یک عمل زیان‌بار نیست، بلکه احتمال دارد به‌دلیل یک ترک فعل باشد، در قانون مجازات اسلامی آمده است که «هرگاه دیواری را در ملک خود به‌طور معتدل و بدون میل به یک طرف بنا نماید، لیکن تدریجاً مایل به سقوط به سمت ملک دیگری باشد، اگر بعد از تمکن از اصلاح، با سهل‌انگاری سقوط کند و موجب خسارت شود، مالک

آن ضامن می‌باشد، ولی اگر قبل از تمکن، ساقط شود ضمان منتفی می‌گردد.^۱ مانند اینکه فرد بدون قصد و نیت اضرار به دیگری از تزریق واکسن کرونا خودداری کند و با اینکه مشکلی در تزریق واکسن ندارد با سهل‌انگاری از این الزام قانونی سرپیچی کند و به همین دلیل سبب ورود ضرر به دیگران و جامعه شود.

۲- این نکته مهم نیز دارای اهمیت است که افراد فقط مسئول نتایج و آثار اعمال خودشان نیستند، بلکه امکان دارد فعل زیان‌بار یک فرد برای دیگری مسئولیت ایجاد کند، حتی بدون اینکه فردی که مسئول جبران ضرر معرفی می‌شود تقصیر و یا بی-احتیاطی مرتکب شده باشد. در قانون مسئولیت مدنی مقرر شده است که «کارفرمایانی که مشمول قانون کار هستند، مسئول جبران خسارتی می‌باشند که از طرف کارکنان اداری یا کارگران آنان در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارد شده است...»^۲ مانند اینکه رئیس بیمارستان مسئول کارکنان بهداشتی زیر نظر خود در صورت عدم تزریق واکسن کرونا و اضرار به دیگری، می‌باشد.

۳- گاهی امکان دارد با وجود ارتکاب عمل زیان‌بار توسط فرد و ورود ضرر به افراد دیگر به دلایل موجه، (مثل دفاع مشروع) عامل زیان مسئول جبران ضرر شناخته نشود؛ مانند اینکه فردی که از تزریق واکسن کرونا خودداری کرده به دلیل بیماری زمینه‌ای که دارد پزشک او را از این کار منع کرده است. حال اگر عامل انتقال ویروس کرونا شود به دلیل دفاع مشروعی که دارد، مسئول جبران خسارت شناخته نمی‌شود.

۴- بدون شک در مواردی که ضرر وارده به علت اتفاقی غیرمنتظره باشد و فعل فرد خارج از قانون و حد عرف نباشد، نمی‌توان جبران ضرر را از آن فرد درخواست کرد. در قانون مجازات اسلامی آمده است که «هرگاه شخصی بنا یا دیواری را بر پایه محکم و با رعایت مقرراتی که در استحکام بنا و ایمنی لازم است احداث نماید، لکن به علت حوادث پیش‌بینی نشده مانند زلزله یا سیل سقوط کند و موجب آسیب گردد، ضامن نیست...»^۳ مانند اینکه شخصی با رعایت تمام دستورالعمل‌های بهداشتی و تزریق واکسن کرونا، به دلیل اتفاقی پیش‌بینی نشده موجب انتقال این بیماری به فرد دیگر شود و خسارت‌هایی بر فرد زیان‌دیده حادث شود، در این صورت وی ضامن نیست.

۴-۴- احراز رابطه سببیت

رکن دیگر برای محقق شدن مسئولیت مدنی، رابطه سببیت است. در حقوق رابطه سببیت، مفهوم عرفی دارد؛ یعنی هنگامی عرف بین دو چیز رابطه ایجاد کند، و رویدادی را حاصل از آن حادثه بداند در ظاهر بین آن دو چیز رابطه سببیت وجود دارد. وجود رابطه سببیت بین بروز ضرر و فعل زیانبار در تمامی نظام‌های حقوقی پذیرفته شده است. (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷، ص ۳۰۳) زیرا به صرف اینکه ضرری محقق و عملی زیانبار ایجاد شود، مسئولیتی برای اشخاص ایجاد نمی‌شود؛ بلکه باید بین ضرر و عمل زیانبار رابطه سببیت وجود داشته باشد؛ بنابراین در اثر قصور فردی که از تزریق واکسن کرونا به عنوان تکلیف قانونی خودداری کرده و عامل انتقال بیماری شده و ضررهای جانی مالی و معنوی به فرد یا افراد دیگری وارد نموده، وی چه در بخش کیفری و چه در بخش مسئولیت مدنی، مسئول خسارات وارده می‌باشد؛ زیرا رابطه سببیت بین تحقق ضرر (بیماری) و فعل زیانبار (انتقال بیماری) محرز می‌باشد. در واقع شخصی که به سایر افراد زیان بدنی، مادی و معنوی می‌رساند باید پاسخگو باشد. به عبارت دیگر، در تحقق مسئولیت مدنی، اینکه ضرری بوجود بیاید و شخصی عامل ورود ضرر باشد به تنهایی کافی نیست، بلکه بایستی میان فعل و یا ترک فعل زیان‌بار و ایجاد ضرر، رابطه‌ی سببیت محرز و اثبات گردد تا بتوان شخص زیان‌رساننده را مسئول جبران ضرر محسوب کرد.

۱- ماده ۵۱۹ قانون مجازات اسلامی.

۲- ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی ایران.

۳- ماده ۵۱۸ قانون مجازات اسلامی.

۴- بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر حکم تکلیفی استنکاف از تزریق واکسن کرونا در وضعیت شیوع بیماری و مسئولیت مدنی ناشی از آن بود. مخالفان تزریق واکسن کرونا به دلایل مختلفی برای عدم تزریق واکسن کرونا استناد کرده‌اند من جمله عدم اعتماد به کارایی واکسن و یا تبعات ناشناخته‌ای که ممکن است در دراز مدت ایجاد کند و یا محدود کردن حق آزادی، فردی و ... براساس سخنان مخالفان تزریق واکسن به این قواعد فقهی می‌توان اشاره کرد: ۱- قاعده حرمت اضرار به نفس که انسان را از وارد کردن هرگونه آسیب به جسم و جان خودش برحذر می‌دارد و براساس این قاعده اضرار به نفس حرام است. ۲- قاعده وجوب دفع ضرر محتمل که انسان را از ضررهای احتمالی که ممکن است بر جسم و جان او وارد کن برحذر می‌دارد و لازمه این قاعده وجوب دفع ضرر محتمل است. ۳- قاعده احترام که از مبانی مهم حریم خصوص به‌شمار می‌رود و انسان‌ها براساس این قاعده باید خودشان آزادانه تصمیم بگیرند و در تزریق واکسن کرونا مختار هستند. همچنین بحث تعارض ضررین را مطرح کرده‌اند که لزومی ندارد فرد برای رفع و دفع ضرر از دیگران به خودش ضرر برساند. در مقابل، موافقان تزریق واکسن کرونا که اکثریت افراد را به خود اختصاص داده‌اند به این قواعد فقهی استناد کرده‌اند: ۱- قاعده رجوع جاهل به عالم، براساس این قاعده افراد جاهل در هر علمی باید به افراد متخصص آن علم رجوع کنند لذا در مسئله تزریق واکسن کرونا، پزشکان خبر و دانا هستند بنابراین سایر افراد در این زمینه باید بر مبنای نظر آنان عمل کنند، زیرا نظر آنان مانند گفته فقیه حجت است. ۲- قاعده لاضرر که از این قاعده برداشت امام خمینی که حکم حکومتی است مدنظر قرار گرفته شده است، بنابراین حکومت می‌تواند براساس مصالح و منافع عمومی حقوق فردی افراد را محدود کند و مردم را ملزم به تزریق واکسن کرونا کند. ۳- قاعده وجوب دفع ضرر محتمل که بر مبنای این قاعده چون محتمل در قضیه بیماری کرونا جان انسان‌ها می‌باشد حتی اگر درجه‌ی انتقال ویروس کم باشد باز هم دفع ضرر واجب است و باید واکسن کرونا تزریق شود. پس از بیان نظرات موافقان تزریق واکسن کرونا، مبحث امر به شی مقتضی نهی از ضد آن است یانه، مورد بررسی قرار گرفته و بنا بر نظر مشهور که امر به شی مقتضی نهی از ضد آن است، حکم تکلیفی استنکاف از تزریق واکسن کرونا حرمت می‌باشد. در مسئولیت مدنی مستنکفین واکسن کرونا مبنای مسئولیت مدنی در حقوق اروپا و فقه امامیه و حقوق ایران بررسی شده است. در حقوق اروپا و اکثر نظام‌های حقوقی غربی مسئولیت بر پایه تقصیر استوار است. بر مبنای نظریه تقصیر فرد عامل انتقال بیماری کرونا در صورتی مقصر و مسئولیت مدنی بر او بار می‌شود که رابطه سببیت میان تقصیر او و زیان وارده ایجاد شده باشد، در این صورت وی باید مبادرت به جبران خسارت نماید. مبنای مسئولیت مدنی در فقه امامیه براساس قاعده اتلاف و تسبیب، لاضرر، ضمان ید و ... می‌باشد. مسئولیت مدنی عامل انتقال بیماری بر مبنای قاعده لاضرر و اتلاف مورد مطالعه قرار گرفته است. براساس قاعده اتلاف و تسبیب ۱- ضرر حتما باید در خارج واقع شده باشد. ۲- ضرر حتما به دیگری وارد شده باشد. ۳- رابطه علیت میان فعل زیان بار و ورود ضرر بر قرار باشد. ۴- عامل زیان یا باید مباشر و یا مسبب باشد. برخی از فقها و حقوقدانان معتقد هستند که مسئولیت جبران ضرر هنگامی محقق می‌شود که زیان وارده در نتیجه تقصر شخص باشد. در مقابل برخی دیگر از فقها و حقوقدانان معتقد هستند که مهم رابطه سببیت میان فعل زیانبار و خسارت وارده است و تقصیر جایگاهی ندارد لذا در برخی از موارد که سخن از تقصیر شده برای احراز رابطه سببیت است نه معیار مسئولیت مدنی.

مبنای مسئولیت در حقوق ایران در قانون مدنی و قانون مسئولیت مدنی بررسی می‌شود. در قانون مدنی چون متأثر از فقه امامیه است مبنای قاعده اتلاف بیشترین جایگاه را به خود داده است. قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، مبنای تقصیر را وارد حقوق ایران کرده است.

ارکان مسئولیت مدنی (وجود ضرر، فعل و یا ترک فعل زیانبار، رابطه سببیت میان فعل و یا ترک فعل ضرری و ورود ضرر) می‌باشد. در صورتی عامل انتقال بیماری کرونا مسئول جبران خسارت می‌شود که این سه رکن با هم محقق شوند. به همین جهت دادگاه براساس ضررهای بدنی و معنوی که برای فرد زیان دیده ایجاد شده، فرد زیان‌رسان را موظف به جبران خسارت‌های مادی و معنوی می‌کند.

تقدیر و تشکر

تیم پژوهش بر خود لازم می‌داند از کلیه شرکت کنندگان در این مطالعه موجبات غنای این مجموعه علمی را فراهم کردند تشکر و قدردانی می‌کند.

تضاد منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند که در این مطالعه، هیچگونه تضاد منافع و منابعی وجود ندارد.

فهرست منابع

۱. آخوند خراسانی، محمدکاظم، ۱۴۳۷ق، کفایة الاصول، قم، مجمع الفکر الاسلامی.
۲. آملی، محمدتقی، ۱۳۸۰، مصباح‌الهدی فی شرح العروة‌الروثقی، تهران، مؤلف.
۳. ابراهیم‌نژاد، محمد، ۱۳۹۷، مستندات قرآنی قاعده لاضرر، دو فصلنامه تفسیرپژوهی، ش ۹، صص ۳۴-۱۳.
۴. امیری، مصطفی؛ حق‌پناه، رضا؛ محمدیان، علی، ۱۳۹۵، پژوهشی در باب ماهیت حکم حکومتی، فصلنامه حکومت اسلامی، ش ۸۲، صص ۵۴-۳۳.
۵. انصاری، علی؛ مبین، حجت، ۱۳۹۰، نظریه قابلیت انتساب در حقوق مسؤولیت مدنی مطالعه تطبیقی در فقه امامیه و حقوق فرانسه، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ش ۱، صص ۲۲-۱.
۶. انصاری، محمدعلی، ۱۴۲۴ق، الموسوعة الفقهیة المیسرة و یلیها الملحق الاصول، قم، مجمع الفکر الاسلامی.
۷. احسانی‌فر، احمد، ۱۳۹۹، ابعاد فقهی و حقوقی بیماری‌های واگیر خطرناک و سریع‌الانتشار از منظر قاعده وجوب دفع ضرر محتمل، فصلنامه حقوق اسلامی، ش ۶۴، صص ۱۷۲-۱۴۳.
۸. انصاری، علی؛ مبین، حجت، ۱۳۹۰، نظریه قابلیت انتساب در حقوق مسؤولیت مدنی مطالعه تطبیقی در فقه امامیه و حقوق فرانسه، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ش ۱، صص ۲۲-۱.
۹. آخوند خراسانی، محمدکاظم، ۱۴۳۷ق، کفایة الاصول، قم، مجمع الفکر الاسلامی.
۱۰. آملی، محمدتقی، ۱۳۸۰، مصباح‌الهدی فی شرح العروة‌الروثقی، تهران، مؤلف.
۱۱. ابراهیم‌نژاد، محمد، ۱۳۹۷، مستندات قرآنی قاعده لاضرر، دو فصلنامه تفسیرپژوهی، ش ۹، صص ۳۴-۱۳.
۱۲. امیری، مصطفی؛ حق‌پناه، رضا؛ محمدیان، علی، ۱۳۹۵، پژوهشی در باب ماهیت حکم حکومتی، فصلنامه حکومت اسلامی، ش ۸۲، صص ۵۴-۳۳.
۱۳. انصاری، علی؛ مبین، حجت، ۱۳۹۰، نظریه قابلیت انتساب در حقوق مسؤولیت مدنی مطالعه تطبیقی در فقه امامیه و حقوق فرانسه، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ش ۱، صص ۲۲-۱.
۱۴. انصاری، محمدعلی، ۱۴۲۴ق، الموسوعة الفقهیة المیسرة و یلیها الملحق الاصول، قم، مجمع الفکر الاسلامی.
۱۵. بادینی، حسن؛ مومنی، خسرو، ۱۳۹۲، رویکردی نو برای اثبات جریان قاعده لاضرر در احکام عدمی در زمینه مسئولیت مدنی، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، شماره ۳، صص ۳۲-۱۹.
۱۶. باریکلو، علیرضا، ۱۳۹۲، مسئولیت مدنی، تهران، میزان.
۱۷. تنکابنی، محمد، ۱۳۸۵، ایضاح الفرائد، تهران، مطبعة الإسلامیه.
۱۸. حرعاملی، محمدبن‌حسن، ۱۴۱۶ق، وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لإحياء التراث.
۱۹. جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۸۸، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج‌دانش.
۲۰. خسروی، محمد باقر؛ بمانیان، محمدرضا؛ سیفیان، محمدکاظم، ۱۳۹۲، نقش هویت ساز قاعده لاضرر در شکل‌گیری الگوی معماری اسلامی، فصلنامه نقش جهان، ش ۱، صص ۳۰-۱۹.
۲۱. خویی، ابوالقاسم، ۱۴۱۸ق، التنقیح فی شرح العروة‌الوثنقی، مقرر: علی غروی، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
۲۲. خویی، ابوالقاسم، ۱۴۱۸ق، فقه الشیعة، مقرر: سید محمد مهدی خلخالی، قم، مؤسسه آفاق.

۲۳. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷ ش، لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۴. ذهنی تهرانی، محمد جواد، ۱۳۸۰ ش، تحریر الفصول فی شرح کفایة الأصول، قم، مؤسسه الامام المنتظر (ع).
۲۵. راسا، میشل لور، ۱۳۷۵ ش، مسئولیت مدنی، ترجمه محمد اشتري، تهران، نشر حقوقدان.
۲۶. رامپوری، محمد بن جلال الدین، ۱۳۹۳ ش، غیاث اللغات، تهران، امیرکبیر.
۲۷. سبجانی، جعفر، ۱۳۹۴ ش، الايضاحات السنیة لقواعد الفقهيّة، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۲۸. سبجانی، جعفر، ۱۴۱۵ ق، الرسائل الاربع (الاجتهاد و التقليد)، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۲۹. سبجانی، جعفر، ۱۴۱۹ ق، المحصول فی اصول الفقه، تقرير سيد محمود جلالی مازندرانی، قم، مؤسسه الامام الصادق علیه السلام.
۳۰. سیستانی، سیدعلی، ۱۴۱۴ ق، قاعدة لاضرر و لاضرار، قم، مکتب آیت الله العظمی سیستانی.
۳۱. شاکری، هادی؛ بزیمیان، الهه؛ مطلبی، مسعود، ۱۳۹۵ ش، فقه حکومتی در اندیشه امام خمینی (ره)، نشریه سیاست پژوهی ایرانی، ش ۸، صص ۴۱-۲۳.
۳۲. شیخ انصاری، مرتضی، ۱۴۲۸ ق، فرائد الأصول، قم، مجمع الفکر الاسلامی.
۳۳. شاکری، هادی؛ بزیمیان، الهه؛ مطلبی، مسعود، ۱۳۹۵ ش، فقه حکومتی در اندیشه امام خمینی (ره)، نشریه سیاست پژوهی ایرانی، ش ۸، صص ۴۱-۲۳.
۳۴. صفایی، حسین؛ رحیمی، حبیب الله، ۱۳۹۶ ش، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، تهران، سمت.
۳۵. صفایی، حسین؛ رحیمی، حبیب الله، ۱۳۹۷ ش، مسئولیت مدنی تطبیقی، تهران، دانشگاه تهران.
۳۶. صلح چی، محمدعلی؛ درگاهی، رامین، ۱۳۹۲ ش، بررسی ماهیت حقوق همبستگی؛ حقوق جمعی یا مردمی، پژوهش-های حقوق عمومی، ش ۴۱، صص ۱۶۸-۱۴۳.
۳۷. طاهری، حبیب الله، ۱۳۹۴ ش، قواعد فقه، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۳۸. علامه حلی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۴ ق، تذکره الفقهاء، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۳۹. عبدلی، ز.، مقدسی، ف.، فریناز، پنجه علی بیک، اجاقی، میرزایی، اباسط. (۲۰۲۳). تمایل به پرداخت برای واکسن کرونا و ویروس ۲۰۱۹: یک مطالعه مروری. طب و تزکیه، ۳۲(۱)، ۴۲-۳۰.
۴۰. علیدوست، ابوالقاسم، ۱۳۹۵، آنالیز بنای عقلا در رجوع جاهل به عالم به روش رفتارشناسی و مقایسه آن با رجوع مقلد به مرجع تقلید، مجله فقه و اصول، ش ۱۰۷، صص ۱۲۱-۱۰۷.
۴۱. عمیدزنجانی، عباسعلی، ۱۴۲۱ ق، فقه سیاسی، تهران، نشر امیرکبیر.
۴۲. قاسم زاده، مرتضی، ۱۳۸۷ ش، مبانی مسئولیت مدنی، تهران، میزان.
۴۳. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۵ ش، دوره مقدماتی حقوق مدنی وقایع حقوقی-مسئولیت مدنی، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۴۴. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۹ ش، اعمال حقوقی قرداد-ایقاع، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۴۵. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۶ ش، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، صدرا.
۴۶. مطهری، مرتضی، ۱۳۵۴ ش، ختم نبوت، مشهد، انتشارات وحی.
۴۷. معظمی، زهرا؛ ابراهیمی، مجید، ۱۴۰۰ ش، موانع و چالش های مسئولیت مدنی دولت در ایران در قبال واکسیناسیون کرونا، نشریه پژوهش و مطالعات اسلامی، ش ۳۲، صص ۶۳-۴۲.
۴۸. مقدسی، محمدباقر؛ عامری، زهرا؛ خسروی، احمد، ۱۴۰۱ ش، مبانی واکسیناسیون اجباری و ضمانت اجراهای آن در ایران و غرب با تاکید بر کووید ۱۹، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ش ۱، صص ۳۳۸-۳۰۹.
۴۹. معظمی، زهرا؛ ابراهیمی، مجید، ۱۴۰۰ ش، موانع و چالش های مسئولیت مدنی دولت در ایران در قبال واکسیناسیون کرونا، نشریه پژوهش و مطالعات اسلامی، ش ۳۲، صص ۶۳-۴۲.
۵۰. مومنی، ستاره، امینی زارع، رامین. (۱۴۰۱). پاندمی کرونا و ملاحظات حقوق بشری با تاکید بر حق دسترسی عادلانه به واکسن کرونا. مطالعات حقوق، ۵۵(۵)، ۲۴-۱.

۵۱. وحدانی، شایسته، رضایی، علی مهدی، منصور، شریعت باقری. (۱۴۰۱). پیش‌بینی پذیرش واکسن کرونا بر اساس اضطراب کرونا، خوش‌بینی و نشخوار فکری در دانشجویان علوم پزشکی. فصلنامه دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی ۲۰(۴)، ۳۷۹-۳۹۲
۵۲. نراقی کاشانی، احمد بن محمد مهدی، ۱۴۱۷ ق، عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام و مهمات مسائل الحلال و الحرام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مرکز انتشارات.
۵۳. نوری طبرسی، میرزا حسین، ۱۴۰۸ ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، بیروت.
۵۴. هاشمی خویی، حبیب‌الله، ۱۴۰۶ ق، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، قم، بنیاد فرهنگی امام مهدی.